عکس: tehran.ir

چگونه برنامه‌های تفریحی و فراغتی در شهر برای بانوان مناسب می‌شود

بازگشت زنان به شهر

فعال‌سازی و شاداب‌سازی مجموعه‌های مختص زنان با تأکید بر گذران اوقات فراغت در دستور کار ماست

دختران جوان در برنامه‌های فراغتی مغفول مانده‌اند

گروه گزارش| روی کاغذی سفید نوشته‌اند: ورود آقایان ممنوع و چسبانده‌اند پشـــت در. کوچه آن‌قدر خلوت است که حتما کسی باید با قصد قبلی پایش را در آن بگذارد و از در شیشه‌ای «شهربانو» رد شود. شهر زنان. فقط در لابی ورود، نیروی انتظامات که مرد مسنی است، نشسته. پشت در دنیای دیگری است، یک دنیای خلوت و کم‌رفت‌وآمد. ساختمانی نوساز، مطابق بامدروز ساختمان‌سازی. شهربانوها قرار است پاسخی باشند به شهری که بیشـــتر برای مردان ساخته شده تا زنان. پاسخی به نیازهای فراغتی و روزمره زنانی که شهر به آنها جایی نداده‌است.

اینجاهم کتابخانه دارد، هم سالن زیبایی تابتواند انواع خواسته‌ها را پوشش دهد؛ هر چند بیشتر استفاده‌ها از سالن ورزشی است و استخر. کتابخانه مراجعان زیادی ندارد اما اعضای ثابتی هم پیدا کرده است، راحتی فضا، راحتی پوشش، داشتن کمد و خلوت‌بودن محیط باعث شده که چندنفری این کتابخانه را به‌عنوان محل مطالعه و کار انتخاب کنند. البته آنها می‌توانند در اتاق‌های دیگر که عموما خلوت اســـت هم مطالعه کنند. یک نفر در آتلیه بـــرای کنکور درس می‌خواند: «کتاب‌هایم خیلی زیاد بود، این‌جا بهم کمـــد دادند. فضا همیشـــه تمیزه؛ به‌خصوص دستشویی‌ها. این‌کـــه لازم نیســـت حجـــاب داشته باشـــم و می‌تونم دمپایی بپوشـــم خیلی خوبه. کمد دارم و امکانات حداقلی می‌تونم داشـــته باشـــم که مثلا در کتابخانه ملی نمی‌شـــه.» اما مهمترین ملاک او نزدیکی به خانه است. بعدازظهرها بچه‌مدرسه‌ای‌ها هم به کتابخانه می‌آیند. هر روز در نیمه اول سال از ۸ صبح تا ۸ شـــب و در نیمه‌دوم از ۸ صبح تا ۶ بعدازظهـــر در این ساختمان باز است. برای زن‌هایی که می‌خواهند مطالعه کنند یا در سالن‌ها و اتاق‌های دیگر وقتشان را بگذرانند. کلاس‌های آموزشـــی هنری، باشگاه ورزشـــی و کافی‌شاپ برای ساعت‌های تفریح. زن‌ها اگر بخواهند به آرایشگاه بروند و یا برای خیاطی لباسی سفارش بدهند، هم در همین فضا کارشان انجام می‌شود؛ البته سالن زیبایی مدت‌ها خالی و سوت‌وکور بود. دستورالعمل‌ها آن‌قدر دست و پای بهره‌برداران اتاق‌ها را می‌بست که زود به زود تخلیه می‌کردند. سالن شوی لباس‌های اسلامی هم چنین سرگذشتی داشته. گالری هم نمایشگاه‌های زیادی به جز نمایشگاه چهل تکه به خودندیده‌است.

فاطمـــه راکعی، سرپرســـت اداره کل امـــور بانوان معاونت اجتماعی فرهنگی شهرداری تهران نقص‌های برنامه‌های شهربانوها را قبول دارد. او می‌گوید بعضی از برنامه‌ها نتوانسته‌اند مشارکت زنان را جذب کنند؛ اما شـــهرداری در دوره جدید می‌خواهد تغییراتی در این برنامه‌ها ایجاد کند: «به‌دلایلی برنامه‌ها بیشتر مناسبتی بوده یا حالت اجبار و اکراه داشـــت و باعث شد که زنان از برنامه‌های شهرداری در محلات کمی گریزان شوند. نخستین کاری که باید در این زمینه انجام دهیم، جلب اعتماد مردم اســـت.» او می‌گوید این اعتماد با تغییر چهره‌ها و دســـت‌اندرکاران و ابزارهای ارتباطی در این برنامه‌ها ایجاد می‌شود: «شهرداری موظف است برای زنان، خانواده‌ها، ســـالمندان و معلـــولان برنامه‌هایی داشته باشد؛ چون با پول مردم اداره می‌شود. ابزارهای ارتباطی ما هم باید تغییر کنند و به ســـمت ابزارهای امروزی که جوان‌ها به‌خصوص دختران جوان را جلب می‌کند، بروند. دختران جوان عمدتا در برنامه‌ها مغفول مانده‌اند؛ اما مردم تغییر را در برنامه‌هایمان خواهند دید. می‌خواهیم با جلب مشارکت زنان، در محلات مختلف زنان را در کنار مردان در حال فعالیت ببینیم. چهره شهر را تغییر دهیم به‌طوری کـــه خود زنان در عرصه شهر فعال باشند و دیوارهای خاکستری شهر را رنگ‌آمیزی کنند. می‌خواهیم سرسبزی را به همه محلات ببریم.»

فاطمه راکعی: یک هدف دیگر این بود که در شهربانوها پاتوق‌های زنانه شکل بگیرد. آنها همدیگر را بشناسند و با هم معاشرت کنند. این اتفاق هنوز نیفتاده است. پاتوق‌ها را فعال خواهیم کرد و کلاس‌های آموزشی مشارکتی خواهند شد

نیـــره توکلی، جامعه‌شـــناس، به ناهماهنگـــی امکانات تفریحی به‌خصوص برای زنان در محلات مختلف اشاره می‌کند و می‌گوید شـــهرها نه‌تنها برای زنـــان که به طور کلی برای شهروندان ساخته نشده: «باید در نزدیک‌ترین فاصله از محل سکونت محل پیاده‌روی و گردش و ورزش باشد؛ به‌خصوص ورزش‌هایـــی مثـــل دوومیدانی و پیـــاده‌روی و فضای مناســـب دوچرخه‌ســـواری تا زنان به جای این که خانه‌نشین شوند، وقتشان را به نیازهایی مثل هواخوری و ورزش و گردش‌بـــردن بچه‌هـــا بدهند. در نزدیک محل زندگی به اندازه کافی فضای ســـبز و بوستان و ورزشگاه باشد و هر کسی با حداکثر ۱۰ دقیقه پیاده‌روی امن بتواند خودش را به آن برساند.»

راکعی این مســـأله را هـــم قبـــول دارد و می‌گوید: «متاسفانه هماهنگی لازم نبوده و طرح‌های محلات باهم فاصله زیادی دارند. یکی از طرح‌هایی که از بدو ورودم به شهرداری شروع کردم، طرح مطالعه مراکز کوثر بود که به دانشگاهیان سپرده شد تا مشخص شود این مراکز با چه هدفی ایجاد شدند، باید چه می‌کردند، در حال حاضر چه وضعیتی دارند و به چه سمت‌وســـویی باید هدایت شوند که در جهت منافع مردم باشد. این مراکز باید واقعا در خدمت توانمندسازی و اشتغال آنها باشد. همچنین درباره شهربانوها و بوستان‌های زنان و مرکز شهردخت که فعلا یک نمونه از آن احداث شده، این مطالعات در حال انجام اســـت. این مطالعات کمک می‌کند تا این مراکز را به سمتی هدایت کنیم که به بهترین وجه با کیفیتی که عمومیتش برای همه محلات یکسان باشد، فعالیت کنند. اگر چه محلات ویژگی‌های خاص خودشان را دارند و این مسأله هم باید لحاظ شود.»

این مراکز در مناطق مختلف از نظر دســـتورالعمل‌ها تفاوت چندانی با هم ندارند و نیازسنجی برایشان صورت نگرفته اما کیفیت ارایه‌شـــان متفاوت اســـت؛ مناطق بالاتر کیفیت بهتری دارند هر چند کلاس‌ها و بخش‌ها مشترک است. در حالی که ممکن است کلاس قالیبافی در یک منطقه متقاضی بیشتری داشته باشد و در منطقه دیگر جای خود را به کلاس آموزشی دیگری بدهد.

استقلال زنان را ببینیم

کسی شهربانوها را نمی‌شناسد. صاحب کافی‌شاپ می‌گوید و بعضی دیگر از بهره‌برداران که نتوانســـتند مشـــتری خوبی پیدا کنند و به فکـــر تخلیه واحدها و جابه‌جایی‌اند. مراجعان گـــذری کمتر به آنها مراجعه می‌کننـــد و تبلیغات هـــم اصولی و بـــا جامعه هدف مشـــخص صورت نمی‌گیـــرد. بیشـــتر وقت‌ها همه صندلی‌های کافی‌شاپ‌ها خالی‌اند. او حتی برای این که بتواند مشتری‌های بیشـــتری جذب کند جلسه‌های روانشناســـی در کافی‌شـــاپ برگزار و میهمان دعوت کرده اســـت. اما باز هم غیر از آشنایان خودش، از خود مجموعه مراجعان چندانی نداشـــته اســـت. از وضع درآمد خیلی ناراضی است: «خانم‌های مسن‌تر این‌جا رو بیشتر دوســـت دارن چون فضا زنانه است و دوست دارن میهمانی دوره داشـــته باشن و پیش هم بشینن. جوان‌ترها فقط اونها که دختر و یا پسر کوچک دارند، می‌تونندبیان.»

یکی از هدف‌های این مجموعه زن‌های خانه‌دار بافرزند هستند و برای همین شهربانوها خانه اسباب‌بازی دارند؛ اما در بعضی مناطق فضای کافی برای همه کاربری‌ها در نظر گرفته نشده است. خانه‌های اسباب‌بازی کوچک و دلگیر از آب درمی‌آیند و تحت‌الشعاع کاربری‌هایی دیگر مثل استخر و سونا قرار می‌گیرند. در یکی از شهربانوها اســـتخر که زیر کلاس‌های آموزشـــی قرار دارد، تحمل هوای پر رطوبت و بوی کلر را اســـخت می‌کند. پسرهای بالای ۶ سال در این مجموعه جزو همان آقایانی هستند که روی در ورودشان ممنوع شده است و مادرانشـــان امکان این که بـــه این مـــکان بیاینـــد و در کنار فرزندشان باشند را ندارند.

راکعی می‌گوید در برنامه‌های شـــهربانوها زن‌ها و کودکانشان با هم دیده شـــده‌اند؛ هر چند این مســـأله اســـتقلال زنان را نقض نمی‌کند: «هدف این بوده که زنی که به این مرکز مراجعه می‌کند، از صبح بچه را در مهد بگذارد و به استخر و آتلیه برود، خرید کند و در آن مکان احساس راحتی کند؛ اما یک هدف دیگر این بود که در شهربانوها پاتوق‌های زنانه شکل بگیرد. آنها همدیگر را بشناسند و با هم معاشرت کنند. این اتفاق هنوز نیفتاده اســـت. پاتوق‌ها را فعال خواهیم کـــرد و کلاس‌های آموزشی مشارکتی خواهند شـــد.» به گفته او اگر چه زن‌ها را از خانواده‌هـــا و کودکان نمی‌توانیم جدا کنیم، اما بعضی‌ها بر این طبل می‌کوبند که زن بدون خانواده و فرزندانش معنایی ندارد: «ما می‌گوییم زن به صرف زن‌بودنش باید دیده شـــود، او یک فرد مستقل است و باید به ویژگی‌هایش احترام گذاشت.»

توکلی با سیاست‌های جداســـازی مخالف است. او می‌گوید که فضاهایی مثل شـــهربانوها یا پارک‌های بانوان کافی نیستند: «در شهر پر ترافیک و آلوده تهران به قدری این فرهنگسراها کم‌اند و تعداد و مکانشان دور از منطق است که فایده‌ای به حال زنان ندارد. بارها گفته‌ام که این جداسازی‌ها غلط است و هر چیزی که به‌صورت جزیره دور از دســـترس باشـــد، بـــه درد فراغت زنان نمی‌خورد. یک زن در تهرانپارس چطور باید خودش را به پارک چیتگر برای دوچرخه‌سواری برساند؟ کسی این همه‌وقت نمی‌گذارد که کمی اوقات فراغت داشته باشد. فضاهایی که بودن در کنار خانواده در آنها طراحی نشده و افراد خانواده را از هم جدا می‌کنند، اوقات فراغت خوبی را رقم نمی‌زند.» او می‌گوید انگیزه‌های شـــهردار پیشین برای احداث فرهنگســـراها و شهربانوها چیز دیگری بوده: «بیشتر به نظر می‌رســـد بهانه‌ای شد که قسمت اعظم فضـــای پارک‌هـــا را هم به ساختمانی اختصاص دهد که فقط بخش کوچکی از آن فرهنگسراست. مثلا پـــارک کوچک ریحانه ســـر زعفرانیه دو سه هزار متر است و در دوسوم آن ساختمان‌های بزرگی ساخته شده که به جای این که محلی غیرانتفاعی باشد، شهرداری بابتشان پول می‌گیرد.»

در شهر پر ترافیک و آلوده تهران به قدری این فرهنگسراها کم‌اند و تعداد و مکانشان دور از منطق است که فایده‌ای به حال زنان ندارد. بارها گفته‌ام که این جداسازی‌ها غلط است و هر چیزی که به‌صورت جزیره دور از دسترس باشد، به درد فراغت زنان نمی‌خورد

برنامه‌هایی برای مناسب‌سازی فضای عمومی شهر

به دلیل این که پیش از احداث شهربانوها نیازسنجی درســـتی انجام نشـــده، بعضی اتاق‌هایی که کاربری خاصی داشتند، مدت‌ها بدون استفاده ماندند. گاهی از واحدها استفاده‌های دیگر می‌شود؛ مثلا مرکز مشاوره خالی را چرخ‌هـــای خیاطی چهل‌تکه پـــر کرده‌اند و بعضی کلاس‌ها به دلیل نرسیدن به حد نصاب تشکیل نمی‌شوند. مربی‌ها حاضر نیستند با تعداد کم کلاس را تشـــکیل دهند. در بین کلاس‌ها از کلاس زبان بیشتر استقبال می‌شود.

سالن‌ورزش پررفت‌وآمدترین محل این مجموعه‌است. جایی که مراجعان آن اغلب از طریق مربی‌هایشان که در ســـالن‌های دیگر بودند و حالا به این‌جا آمده‌اند، پایشان به شهربانو باز شده است. آنها به لابی که می‌رسند، سوار آسانسور می‌شوند و یک راســـت به محل سالن ورزش می‌روند و بعد از کلاسشان هم برمی‌گردند. بدون این که از امکانات دیگر مجموعه اســـتفاده کنند. ویژگی مورد نظر راکعی یعنی پاتوق‌بودن و مشـــارکت در فعالیت‌ها هنوز در شهربانوها شـــکل نگرفته است. دختران جوان ترجیح می‌دهند به جای کافی‌شاپ‌های سوت‌وکور این مراکز به کافه‌های شـــهر بروند و زن‌ها ترجیح می‌دهند کـــه کودکانشـــان را در مهد کودک‌هایـــی دلبازتر و پر جنب‌وجوش‌تر بگذارند. اما راکعی امیدوار است و می‌گوید خارج از این مجموعه‌های مختص زنـــان، برای فضای عمومی شهر هم فکرهایی شده اســـت. مناسب‌سازی فضای عمومی شـــهر یکی از این برنامه‌هاست: «فضای سبز، مبلمان شهری، روشـــنایی معابر شهری و ارتقای امنیـــت اجتماعی در مناسب‌ســـازی فضاهای عمومی قرار می‌گیـــرد. همچنین می‌خواهیـــم اتاق‌های مادر و کودک را در کلیه مراکز عمومی فعال کنیم. فعال‌سازی و شاداب‌ســـازی مجموعه‌های مختص زنان با تأکید بر گذران اوقات فراغت در دستور کار ماست. اصلاح و بازبینی ساختار این مجموعه‌ها، برگزاری نمایشگاه‌ها و تورهای گردشگری و جشنواره‌ها و از همه مهمتر ایجاد پاتوق‌ها به‌زودی انجام می‌شـــود.» آنها می‌خواهند پنج محله را در شهر به‌عنوان محله سالم طراحی کنند تا زنان اوقات فراغتشـــان را در آن محلات به گردش و تفریح بروند؛ در شمال و جنوب و شرق و غرب و مرکز شهر، نقاطی که از نظر فیزیکی و بهداشتی و اجتماعی و روانی و سخت‌افزاری مناسب‌سازی شـــود و به زنان احساس امنیت و آرامش بدهد. خبر دو جشنواره را هم می‌دهد، جشنواره زنان در شهر و جشنواره دختران شهر، دخترانی که خیلی‌وقت است به گفته او مغفول مانده‌اند.

پژوهش

رواج باشگاه‌های ورزشی نشانه تغییر در ارزش‌های زنانگی است

دختران جوان بیشـــتر از کدام فضاهای شـــهری در اوقات فراغت‌شان استفاده می‌کنند و چگونه از آنها هویت‌یابی می‌کنند. همه فضاهای شـــهری آغوش بازی برای زنان و دختران ندارند. آنها در بعضی فضاها محدودند و در بعضی فضاها حذف می‌شوند و بعضی فضاها را هم از آن خود کرده‌اند. محمد سعید ذکایی، عضو هیأت علمی دانشـــگاه علامه طباطبایی در پژوهش «فضاهای فراغتی شهری و زنانگی جدید» تصویری از انواع فراغت‌هایی داده اســـت که زنان جوان روزگارشان را با آن ســـر می‌کنند؛ تلاش‌هایی برای از آن خود کردن فضاهایی که سهم کمتری از آن دارند. این مقاله به تلقی‌ها و مصارف مختلف دختران جوان شهری از فضاهای فراغتی پرداخته است. برخی از فضاهای شـــهری مثل کوه به زنان این امکان را می‌دهد که کنترل و اختیار بیشتری در آن فضا داشته و نقش سوژه فعال را داشته باشند. زنانگی در این فضاها مدرن و چالش‌گرانه اســـت و حق برابری را از شهر مطالبه می‌کند؛ اما فضاهای دیگری مثل پارک‌ها هستند که استفاده زنان از آنها کنترل شده و محتاطانه است، آنها در این فضاها در جست‌وجوی لحظه‌ها و موقعیت‌هایی هستند تا بخشی از حقوق فضایی خود را به دست آورند. در میدان‌های عمومی‌تر مثل خیابان زنان باید ارزیابی و چانه‌زنی کنند و مهارت‌هایی از آنها می‌طلبد که عاملیت خود را بروز دهند و بهره‌برداری فراغتی داشته باشند. فراغتی کردن خیابان فعال‌گرایانه و مبتکرانه است و با محاسبه و ارزیابی بیشتری همراه است.

در تقسیم‌بندی ارایه‌شده این مقاله که به‌تازگی در فصلنامه پژوهشی علوم اجتماعی منتشر شده، کوه، پارک، خیابان، مرکز خرید، باشگاه‌ها و کافه‌ها بررسی شده‌اند.

کوهستان‌های اطراف شهر از مهمترین فضاهای بازتولیدکننده ارزش‌های جوانی و شاخصی برای جوان‌شدن جامعه هستند. اقبال گســـترده دختران به این فضا با کمبود فضاهای تفریحی و یا دشواری بیشتر دختران در استفاده از برخی فضاها و امکانات عمومی شهری همراه اســـت. کوه محدودیت کمتری دارد و ارزان‌تر است. قابلیت فراغت چندگانه دارد و امکان گریز از تنش‌های زندگی روزمره شهری را فراهم می‌کند. یکی از این دختران گفته است: «می‌تونم تو کوه خودمو تخلیه کنم، می‌تونم جیغ بزنم و مردم بهم خیره نمی‌شن. اونجا راحت‌ترم.»

در گفت‌وگوهای انجام‌شده دختران از مواجهه با پارک‌های شهری دلهره بیشتری دارند و آن را مناسب برای گذران فراغت فردی یا همراهی دوستان خود نمی‌دانند. زنان از پارک‌های بزرگ‌تر در مناطق شـــمالی‌تر تهران بیشتر از پارک‌های کوچک و مناطق جنوبی شـــهر اســـتقبال می‌کنند. فضای پارک‌ها مردانه‌اند. حتی احداث پارک‌های مخصوص زنان نیز نتوانسته حس آنها را نسبت به پارک تغییر دهد؛ زیرا اینها سیاست‌های حداقلی و فوری‌اند. دختران و زنان این فضا را فضایی برای خلوت فردی و لذت بصری و محیطی نمی‌دانند.

دختران جوان گفته‌اند که در خیابان می‌توان دوستان بیشتری پیدا کرد و از شهر لذت برد. همچنین به این معناست که خانواده‌ها بزرگسال‌بودن آنها را پذیرفته‌اند. انگیزه‌هایی مثل سوژه‌ای مورد توجه‌بودن، سوژه‌ســـاختن دیگران، تفنن و فرار از رخوت، وقت‌گذرانی منفعلانه، دوستیابی و ارتباط با غیرهمجنس، ارضای کنجکاوی و فاصله‌گرفتـــن از کنترل‌هـــا و محدودیت‌های خانوادگی و همراهی دوســـتان و ماجراجویی‌های خرده فرهنگی خیابان را برای آنهـــا جذاب می‌کند. خیابان‌های شـــهری تنوع دارند، مراکز خرید و پاساژها، ســـینما و مراکز فرهنگی، رستوران، فست‌فود و جمعیت زیادی که فرصت ناشناس‌ماندن و لذت‌بردن از انبوهی را فراهم می‌سازد و امنیت نســـبی می‌تواند جاذبه مصرف خیابان را برای زنان افزایش دهد. قدم‌زدن در خیابان فرصتی برای چالش نقش‌های جنسیتی و بروز کدهای متفاوتی از زنانگی فراهم می‌کند؛ اما پرسه‌زنی‌های سواره بیشـــتر مردانه و طبقاتی است و انگیزه‌هایی چون سرگرمی، نمایش، جلب توجه، دوست‌یابی و گاهی ابراز قدرت و محک‌زدن میزان جسارت فردی پشت آن است. دور دور تلاشی برای شکستن فضای رسمی شهر و هیجان‌بخشی نمایشی به زندگی شهری و قدرت‌نمایی مصرفی است. زنانگی به نمایش درآمده از روابط اجتماعی دختران در این فضا خیابان را برای آنها عرصه‌ای دسترس‌پذیر می‌کند که خود در شکل‌دهی به آن سهم دارند.

فضاهای مراکز خرید برخلاف بازارهای سنتی در تسخیر مردان نیست. فضای امن مراکز گاه با تضادی آشکار با فضای محله یا شهر مجالی برای تخیل و فانتزی دختران جوان فراهم می‌ســـازد. گپ و گفت و پرکردن زمان زندگی، فرار از خانه و مدرسه از انگیزه‌هایی است که در این مراکز ماهیت خرید را برای زنان تغییر داده‌است.

رواج باشگاه‌های ورزشی مهمترین نشانه تغییر در ارزش‌های زنانگی است. عضویت در باشگاه‌های ورزشی به واسطه هزینه‌های بالای ثبت‌نام برای برخی از زنان شهری شـــاخصی برای تمکن و رفاه و دریافت منزلت است. باشـــگاه‌های ورزشی به مثابه مکان‌هایی از زندگی روزمره از عوامل تعیین‌کننده مدهای بدنی هستند. در غیاب مراکز اجتماعی در محلات و ناکافی بودن مراکز فرهنگی دولتی در محلات شهری سالن‌های ورزشی میدانی برای ملاقات و توسعه شبکه‌های ارتباطی جوانان همجنس نیز است. زنان مناطق جنوبی‌تر شهر از ورزش‌های رزمی استقبال بیشتری می‌کنند. این تفاوت برآمده از پیوند بافت اجتماعی محله و رفاه اقتصادی با ارزش‌های زنانگی است. زنان طبقات مرفه‌تر بیشتر مشتری سالن‌های زیبایی اندام هستند.

کافه‌ها فضای مناســـبی برای نمایش فردیت و عاملیت دختران جوانی است که ارزش‌های محوری زندگی آنها بر فراغت و سرگرمی و مصرف استوار است. امنیت، ارزش‌های زیبایی‌شناسانه، ظرفیت برای خیال‌پردازی و فانتزی از جمله جاذبه‌های کافی‌شاپ‌ها برای دختران جوانی است که با همراهی دوستان خود از آن استفاده می‌کنند. کافی‌شـــاپ‌ها به گفته این مقاله نماد نوشدن شـــهر و تغییر مناسبات اجتماعی و فرهنگی‌اند. خیلی وقت‌ها مکان این کافه‌ها انگیزه و نوع مخاطبانشان را نشان می‌دهد. کافه‌های مرکز شهر در تصرف دانشجویان جوان یا زنان جوانی‌اند که برای مصاحبت و رفع تنش‌ها و خستگی روزانه به آنها پناه آورده‌اند. کافه‌های گران‌تر و به‌اصطلاح شیک‌تر در مناطق دنج و کم‌تراکمی قرار دارند که عموما برای کسانی ساخته شده‌اند که می‌خواهند سلیقه و سرمایه فرهنگی‌شان را به نمایش و اشتراک بگذارند. این مقاله براساس مصاحبه‌هایی که انجام داده کافی‌شاپ‌های شهری را نوعا زنانه می‌داند که حس وابستگی و تعلق بیشتری در زنان برمی‌انگیزد و می‌گوید که تعهد دختران برای مراجعه مرتب به کافه‌هایی که احساس و خاطره خوبی از بودن در آن دارند، بیش از پسران است.

زنانگی‌های امـــروز در تهران در فرآیند مواجهه و مصـــرف میدان‌های فراغتی و مصرفی جدید و به موازات تغییر معنا و نگاه به فضاهای فراغتی تغییر یافته است. زنان مثل بازیگرانی فعال معانی فضا و جنسیت را مورد منازعه و تغییر قرار می‌دهند، آنها در مواجهه با فضاهایی عموما مردانه ابتکار، انعطاف و عاملیت به خرج می‌دهند. از این طریق است که آنها می‌توانند با بازاندیشی بیشتر و فاصله گرفتن از خودکنارگذاری‌ها، حق‌شان را از شهر پس بگیرند.